

سر آغاز

فلسفه علم فقه دانشی در آستانه شکل‌گیری است. طرح مباحث آن به این عنوان کمتر از دو دهه سابقه دارد و به سال‌های 1374-1375 بازمی‌گردد. هرچند رگ‌ها و ریشه‌های آن در میراث علمی دانشوران فقه، اصول، کلام و... وجود دارد و این نکته را ما تحت عنوان «پیشینه مباحث فقهی» در این کتاب تا حدی بررسی کرده‌ایم و از ملاحظه مباحث کتاب هم روشن می‌شود که برخی از آنها به صورت غیر تدوین یافته در آثار علمی دانشوران یادشده وجود دارد.

نگارنده به لطف و توفیق الهی از سال 1375 با پیشنهاد پایان‌نامه «مبانی کلامی فقه شیعه» وارد این عرصه شد و از آن زمان تاکنون تقریباً نیمی از وقت مفید زندگی علمی خود را در این رشته علمی صرف کرده است چه به صورت نگارش کتاب و مقاله، چه به صورت تدریس، چه به صورت شرکت در نشست‌های علمی و کرسی‌های نظریه‌پردازی، چه به عنوان راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها، چه به عنوان مدیریت سیزده ساله گروه فلسفه فقه پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. لازمه مدیریت این گروه نوپا از یک سو رصد موضوعات قابل تحقیق بود و از سوی دیگر مباحثه، مشاوره، نظارت و ارزیابی طرح‌ها و تحقیقات در این موضوع بود.

گرچه نگارنده دشواری‌ها و مشکلات فراوانی را در این زمینه تحمل کرده است تا به مطلب جدیدی در این موضوع دست یابد، ولی شیرینی یافته‌ها بر همه آن تلخی‌ها و سختی‌ها غالب آمده است نگارنده بر این باور است مطالبی که در اثر تحقیق، تدریس، ارزیابی و... در این موضوع یافته است کمتر با حضور پانزده ساله در درس‌های خارج فقه و اصول یافته است بلکه تصور می‌کند که این یافته‌ها می‌تواند تحولات مثبتی را در فقه و اصول به همراه آورد به‌ویژه بحث شئون معصوم از مبانی کلامی. به هر حال تدوین در این موضوع با مشکلاتی همراه بود که برخی از مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

1. یکی از مشکلات، تلقی‌های مختلف از فلسفه علم فقه است برخی آن را با مبانی فقه یکی دانسته‌اند و حتی برخی آن را «فلسفه احکام» پنداشته‌اند که این مطلب در تعریف فلسفه علم فقه و ساختار آن بررسی شده است.
2. بر فرض که یک تلقی از فلسفه علم فقه وجود داشته باشد درباره علوم تدوین نیافته ساختارهای متفاوتی مطرح می‌شود همان‌طور که درباره فلسفه علم فقه هم وجود دارد که در محور «ساختارهای فلسفه فقه» نقل کرده‌ایم و ساختار برگزیده را تبیین و اشکالات سایر ساختارها را توضیح داده‌ایم.
3. نوظهور بودن این رشته علمی استقصای دیدگاه‌ها، ادله و نتایج آن ما را با دشواری چندین برابر روبه‌رو می‌ساخت و به رغم تتبع و تلاش فراوان، نگارنده ادعا ندارد که همه دیدگاه‌ها را در همه زمینه‌ها استقصاء کرده است. از این‌رو از خوانندگان فرهیخته استدعا دارم هر گونه پیشنهاد و انتقادی درباره این کتاب دارند بر نگارنده منت نهاده و آن را در اختیار قرار دهند. آدرس ایمیل: ziyaei.saeid@isca.ac.ir
4. به دلیل نبودن این مبحث صاحب‌نظران قوی برای مشورت، اظهار نظر درباره طرح و متن تحقیق وجود نداشت بلکه برخی از افراد نظرات ناشیانه‌ای درباره این موضوع داشتند به‌ویژه در مرحله بررسی طرح تحقیق نمونه‌هایی از آن ظاهر شد از این‌رو اینجانب از مشورت افراد خبره در این زمینه محروم بودم و ارزیابی

طرح و متن تحقیق بسیار بیش از مقدار متعارف به طول انجامید، افزون بر آن تغییر سه مدیر گروه حقوق در طول این تحقیق برخی مشکلات را - به‌ویژه در انجام و پیگیری وظایف متعارف از سوی پژوهشگاه - به همراه آورد.

5. گستردگی مسائل فلسفه فقه مقداری بحث را طولانی کرد و برخی از مباحث مهم فلسفه علم فقه نظیر منابع، روش‌ها، مکاتب، پیش‌نیازها و علوم مقدماتی علم فقه در این کتاب مطرح نشد و امید است در فرصت دیگری به آنها پرداخته شود.

این کتاب را پس از نگارش دو ست فاضل و هم مباحثه‌ای ارجمند حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای صرامی ارزیابی کردند که از ایشان کمال تشکر را دارم. همچنین از مدیران پیشین و کنونی گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مسئولان آن، ویراستار محترم و سایر کسانی که به گونه‌ای در آماده‌سازی و انتشار آن نقش دارند تشکر می‌کنم اکثر این تحقیق را اینجانب در منزل انجام دادم و هم‌سر گرامی در فراهم ساختن محیط آرام نقش بسزایی داشت و حقاً سزاوار تقدیر فراوان است. همچنین از والده گرامی که همواره دعاهایش بدرقه راهم بوده است تشکر می‌کنم و برای مرحوم والد غفران و رضوان الهی را از درگاه احدیت مسألت دارم و برای فرزندانم و همه فرزندان اسلام سعادت دو جهان را آرزومندم.

آبان 1391

عید غدیر خم 1433ق

پیشگفتار

یکم: برخی از دانشوران در گذشته در مقدمه کتاب و قبل از پرداختن به مسائل یک رشته علمی یک دسته اطلاعاتی را پیرامون آن رشته علمی در اختیار خواننده قرار می‌دادند تا خواننده و دانش‌پژوه با بصیرت و آگاهی بیشتر به خواندن آن کتاب روی آورد بلکه مطالعه و تحقیق در آن رشته علمی را پیشه خود سازد؛ اطلاعاتی که درباره آن رشته علمی مطرح می‌گشت مختلف بود ولی به مرور زمان این اطلاعات بر هشت محور استقرار یافت. از این‌رو به «رئوس ثمانیه» شهره گشت، این محورها عبارت بودند از: 1. غرض رشته علمی؛ 2. فواید آن رشته علمی؛ 3. نام آن رشته علمی و احیاناً وجه نامگذاری آن؛ 4. تدوین‌کننده آن رشته علمی؛ 5. نوع رشته علمی؛ 6. علوم پیشینی و مقدماتی آن رشته علمی و علومی که بر آن رشته علمی مترتب است؛ 7. ساختار و تقسیم‌بندی مسائل آن؛ 8. شیوه‌های آموزش آن علم.¹

در واقع غالب محورهای فوق یک نوع مطالعه پیرامون یک رشته علمی است که امروزه از آن به فلسفه یک علم تعبیر می‌کنند و مطالعه‌ای درباره یک رشته علمی است و به اصطلاح از سنخ مطالعات برون علمی است. این نوع مطالعه در گذشته چند ویژگی داشت:

¹ برای اطلاع بیشتر ر.ک: تفتازانی، تهذیب المنطق، چاپ شده در: ملکشاهی، ترجمه و تفسیر تهذیب المنطق، ص 200 و 205؛ یزدی، الحاشیه علی تهذیب المنطق، ص 119-121؛ تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج 1، ص 10.

اولاً: به عنوان یک رشته مطالعاتی و علمی مستقل مطرح نبود بلکه در مقدمه کتاب‌ها به صورت سرپیسته مطرح می‌گشت.

ثانیا: غالباً جنبه گزارشی و توصیفی داشت و در آن جنبه تحلیل و انتقاد وجود نداشت.

ثالثاً: به برخی از ابعاد یک رشته علمی می‌پرداخت و بسیاری از ابعاد نظیر مبانی، منابع، تطورات و... یک رشته علمی مطرح نمی‌شد؛ از این رو جامعیت لازم را نداشت؛

رابعاً: برخی از مطالبی که ارتباط چندانی با رشته علمی ندارد نظیر وجه نامگذاری یا تدوین‌کننده مطرح می‌شد و به تعبیر دیگر مانعیت نداشت.

خامساً: غالباً فاقد استدلال بود بلکه معمولاً یک سلسله مسائل بدون ادله اثباتی آنها مطرح می‌شد، ولی مطالعات و تحقیقات پیرامون یک رشته علمی در این دو قرن اخیر ویژگی‌های دیگری پیدا کرده است.

اولاً: مباحث و مطالعات پیرامون یک رشته علمی خود به عنوان یک رشته علمی مستقل مطرح شده است و جنبه مقدماتی و اجمالی ندارد، برای بسیاری از رشته‌های علمی، فلسفه آن رشته علمی تدوین شده است نظیر فلسفه علم فیزیک، فلسفه علم حقوق و... و برای برخی دیگر هم در آستانه تدوین است.

ثانیا: این قسم مطالعات صرفاً جنبه گزارشی و توصیفی ندارد بلکه جنبه تحلیلی و انتقادی هم دارد بلکه درباره برخی از رشته‌های علمی جنبه انتقادی آن غالب است و بنا بر نظر برخی از صاحب‌نظران پیشرفت‌های برخی از رشته‌های علمی مرهون تشکیل فلسفه آن رشته‌های علمی و به‌ویژه نگاه‌های انتقادی درباره آنهاست.² ثالثاً: غالباً به ابعاد مختلف یک رشته علمی پرداخته می‌شود، هرچند که برخی از کتاب‌هایی که پیرامون برخی از رشته‌های علمی تدوین شده است به مبانی آن رشته علمی بیشتر پرداخته است یا تقریباً منحصر به مبانی شده است.

رابعاً: مطالبی که فایده علمی چندانی ندارد یا بعید‌الارتباط است و در آن مطرح نمی‌شود (نظیر مدون نخستین علم).

خامساً: علی‌القاعده در آن استدلال هم طرح و بررسی می‌شود مگر اینکه مسئله مطرح شده از مسائل علم دیگری باشد که در این صورت باید در آن علم دیگر بر آن استدلال گردد.

دوم: فلسفه یک علم مطالعه و تحقیقی است که موضوع آن، یک رشته علمی دیگر است مثلاً «فلسفه علم فقه» یک رشته علمی است که علم فقه را از ابعاد گوناگون نظیر تعریف، موضوع، اهداف، مبانی، منابع، روش‌ها و... بررسی می‌کند. از این رو کلمه «علم» باید در آن بیاید نظیر فلسفه علم فقه، فلسفه علم سیاست، فلسفه علم تاریخ و فلسفه علم اخلاق و...

البته گاهی واژه «علم» به جهت اختصار حذف می‌شود و گفته می‌شود فلسفه سیاست، فلسفه تاریخ ولی این نوع مطالعه درباره یک رشته علمی با بیان فلسفه، علل و مبانی یک دستور یا آموزه فرق دارد بنابراین فلسفه علم سیاست با فلسفه سیاست، فلسفه علم تاریخ با فلسفه تاریخ، فلسفه علم اخلاق با فلسفه اخلاق فرق دارد، در کاربرد دوم سیاست، تاریخ و اخلاق به معنای رشته علمی نیست بلکه به معنای عام مدنظر

2. برای نمونه ر.ک: عابدی شاهرودی، گفتگوی فلسفه فقه، ص 162؛ ملکیان، «فلسفه فقه در نظرخواهی از دانشوران»، نقد و نظر، ش 12، ص 98.

است. اخلاق کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها علم اخلاق است؛³ همین‌طور تاریخ و سیاست کاربردهای مختلفی دارند⁴ و یکی از آنها علم تاریخ و علم سیاست است.

سوم: فلسفه برخی از رشته‌های علمی تدوین شده است نظیر فلسفه علم فیزیک، فلسفه علم حقوق، فلسفه علم کلام و فلسفه علم شیمی، فلسفه علم ریاضی، فلسفه علم منطق، فلسفه علم فلسفه و... . ولی درباره علم فقه کتاب کاملی تدوین نشده است، آری برخی از مقالات و کتاب‌ها درباره برخی از محورهای آن تدوین شده است یا در مقالاتی بسیار گذرا به این پرداخته شده است ولی تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است تدوین جامع، کامل و مفصلی در این باره ارائه نشده است.

چهارم: اولین مطلبی که برای تدوین فلسفه علم فقه لازم است مشخص کردن ساختار آن است. از این‌رو در اینجا کلیات مهم‌ترین محورهای فلسفه علم فقه را می‌آوریم:

1. تعریف علم فقه؛
 2. موضوع و قلمرو علم فقه؛
 3. اهداف علم فقه؛
 4. مبانی علم فقه؛
 5. منابع علم فقه؛
 6. روش‌های علم فقه؛
 7. علوم تأثیرگذار بر علم فقه؛
 8. ساختارهای علم فقه؛
 9. مکاتب و گرایش‌های علم فقه؛
 10. تحولات علم فقه در طول تاریخ.⁵
- پنجم:** مهم‌ترین اهداف این تحقیق عبارت‌اند از:

1. بررسی مهم‌ترین مسائل فلسفه علم فقه؛
2. نشان دادن ریشه‌های مباحث فلسفه فقهی در آثار دانشوران به‌ویژه دانشوران فقه و اصول و بهره‌گیری آنان از مباحث فلسفه فقهی در فقه و اجتهاد موجود؛
3. ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های جدید برای استفاده از مباحث فلسفه فقهی در فقه و اجتهاد در دو سطح کلان و خرد.

ششم: مباحث فلسفه علم فقه در ایران از سال 1375 با گفتگوهای فلسفه فقه کلید خورد.⁶ نگارنده از آن زمان این موضوع را یکی از اصلی‌ترین محورهای مطالعاتی و تحقیقاتی خود قرار داده است و تقریباً نیمی

3. برای نمونه ر.ک: سعید ضیائی‌فر، تأثیر اخلاق در اجتهاد، ص 45.

4. برای نمونه ر.ک: گفتگو با استاد ملکیان، چاپ شده در: پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی، ص 205.

5. نگارنده در مقاله‌ای ساختار فلسفه علم فقه را در چهارده محور اصلی و با زیرمجموعه‌هایش آورده است (ر.ک: سعید ضیائی‌فر، «فلسفه علم فقه تعریف، ساختار و اولویت‌های پژوهشی»، فصلنامه تخصصی نقد و نظر، ش 47 و 48، ص 279 به بعد).

6. این کار با عنوان گفتگوهای فلسفه فقه در سال 1375 در گروه پژوهشی فلسفه فقه و حقوق پژوهشکده فقه و حقوق وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات آغاز شد و در سال 1377 به صورت کتاب منتشر گردید.

از وقت مفید زندگی خود را وقف این کار نموده است و به توفیق الهی توانسته است آثاری را در این زمینه فراهم و به جامعه علمی کشور عرضه کند.⁷

هفتم: آنچه پیش روست در آغاز یادداشت‌برداری‌هایی بود که از سال 1377 تا سال 1380 در محورهای مختلف فلسفه علم فقه گردآوری شده بود. از آن سال تا سال 1382 آن را به صورت جزوه درسی درآوردم و پس از آن تاکنون حدود بیست دوره در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکترا در مراکز حوزوی و دانشگاهی تدریس کرده‌ام. در سال 1386 گروه فقه و حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به اینجانب پیشنهاد داد، تحقیقی را در این زمینه تهیه کنم؛ پس از نگارش طرح تحقیق و تصویب آن در سال 1387 تحقیق مجدد و گسترده را در این باره آغاز کردم و پس از نگارش چندین بار تحقیق جدید در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا تدریس شد و اینک پس از بازنگری، تکمیل و اصلاح تقدیم می‌گردد؛ امید است که پس از دریافت نقطه نظرات

7. آثاری که نگارنده تاکنون در موضوع فلسفه فقه و اصول نوشته است بدین قرار است:

1. مبانی کلامی فقه شیعه پایان‌نامه کارشناسی ارشد/1376؛
2. جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد (کتاب/1380)؛
3. جایگاه عقل در اجتهاد (مقاله/1381)؛
4. پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی (کتاب/1384)؛
5. مبانی کلامی اصول (مقاله/1384)؛
6. شؤن پیامبر و نقش آن در اجتهاد (مقاله/1385)؛
7. فلسفه علم اصول (مقاله/1385)؛
8. تأثیر دیدگاه‌های کلامی بر علم اصول (مقاله/1385)؛
9. علوم مرتبط با فقه (مقاله/1386)؛
10. قلمرو دین و ضوابط علوم دینی (مقاله/1386)؛
11. مبانی کلامی علم اصول (پایان‌نامه سطح 4/1386)؛
12. اهداف علم فقه (مقاله/1387)؛
13. اهداف آموزه‌های فقهی از منظر روایات رضوی (مقاله/1387)؛
14. اهداف احکام فقهی با تأکید بر دیدگاه شهید اول (مقاله/1387)؛
15. فلسفه علم فقه (مقاله/1387)؛
16. تأثیر اخلاق در اجتهاد (کتاب/1388)؛
17. فلسفه فقه سیاسی (مقاله/1388)؛
18. گونه‌های تأثیر اخلاق در فقه و اجتهاد (مقاله/1389)؛
19. تأثیر مبانی کلامی بر فقه سیاسی (کتاب/1388 - ادامه دارد)؛
20. ولایت پیامبر و امام بر تشریح (مقاله/1388)؛
21. تأثیر دیدگاه‌های کلامی بر علم اصول با تأکید بر دیدگاه آخوند خراسانی (مقاله/1389)؛
22. رویکرد حکومتی در فقه (کتاب/1390)؛
23. شؤن معصوم و تأثیر آن بر شناخت تعالیم دین (مقاله/1390)؛
24. تأثیر انسان‌شناسی بر اجتهاد (کتاب/1386 - ادامه دارد)؛
25. نقش احتیاط در اجتهاد و افتاء (کتاب/1386 - ادامه دارد)؛
26. بهره‌گیری از اهداف دین در اجتهاد (کتاب/1387 - ادامه دارد)؛
27. نیم‌نگاهی به سازوکارهای کارآمدی فقه (مقاله/1390)؛
28. مکتب فقهی امام خمینی (کتاب/1390)؛
29. شیوه بهره‌گیری از اهداف در اجتهاد (مقاله/1390).

صاحب‌نظران ارجمند کاستی‌های آن جبران و بر نقاط مثبت آن افزوده شود. در این ماه عظیم‌القدر از درگاه قدس الهی عاجزانه خواستارم که این تلاش کوچک را به احسن وجه قبول فرماید و آن را ذخیره‌ای جاوید در عقبا و دنیا قرار دهد و عموم فقه‌پژوهان را از آن بهره‌مند سازد و ما را به انجام تحقیقات مفید و دقیق در زمینه‌هایی که خلأ تحقیقاتی وجود دارد، موفق نماید.

بمّنه و کرمه

سعید ضیائی‌فر

قم، 1390/5/14، رمضان 1432ق